

تحولات سوریه و نقش راهبردی ایران؛ توازن منطقه‌ای و چشم انداز سیاست خارجی ایران

حیدر لطفی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محسن قندالی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مجید پورمجلسی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمود رویان

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱

چکیده

هدف مقاله پیش‌رو تحلیل نقش راهبردی ایران در تحولات سوریه به منظور ارائه مدلی برای توازن منطقه‌ای و نیز ارائه راهکارهایی برای سیاست خارجی کشورمان است. اهمیت استراتژیک روابط دوجانبه ایران و سوریه پای اغلب کشورهای عمده عرب، اروپای غربی و آمریکا و اسرائیل را به تحولات این کشور باز کرده است و بنابراین در جنگ داخلی سوریه روابط ایران و سوریه دیگر برخلاف گذشته محدود به سطح دو جانبه و ابعاد امنیتی و ضد اسرائیلی نیست، بلکه می‌توان گفت که این دو کشور، یک محور را تشکیل داده‌اند، محوری که آمریکا، اسرائیل، اروپای غربی و اکثر جهان عرب را متوجه خود ساخته است. با توجه به این مقدمه سؤال اصلی مقاله این است که نقش راهبردی ایران در تحولات سوریه چگونه است و دارای چه اهداف و چشم‌اندازی در سیاست خارجی است؟ علاوه بر این سؤال اصلی سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح می‌شوند از جمله اینکه سوریه چه جایگاهی در منطقه خاورمیانه دارد؟ بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حاضر در تحولات سوریه کدام‌اند؟ نتایج این مقاله نشان می‌دهد که ایران در تحولات سوریه نقشی راهبردی دارد که این راهبرد در راستای توازن منطقه‌ای بوده و چشم‌انداز سیاست خارجی ایران را در منطقه تعیین می‌کند؛ بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود با روش کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز مقالات علمی و پژوهشی نقش راهبردی ایران در تحولات سوریه به منظور ارائه مدلی برای توازن منطقه‌ای و نیز ارائه راهکارهایی برای سیاست خارجی کشورمان تحلیل و تبیین گردد.

واژگان کلیدی: ایران، سوریه، توازن منطقه‌ای، سیاست خارجی، توازن منطقه‌ای.

مقدمه

ژئوپلیتیک سوریه^۱ به شکلی است که جایگاه راهبردی به این کشور بخشیده است؛ قرار گرفتن این کشور در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا باعث شده این کشور به عنوان یک بازیگر میان اروپای صنعتی و خاورمیانه^۲ به ایفای نقش بپردازد (Ayorloo, 2011: 56).



نقشه شماره ۱- ژئوپلیتیک سوریه

Source: (kids.britannica.com)

سوریه کشوری ژئوپلیتیک - محور است که سه عامل؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. مسیر سوریه، وابستگی عراق و ایران را برای صادرات نفت و گاز به خلیج فارس، کانال سوئز^۳ و حتی ترکیه تقلیل می‌دهد. طرطوس^۴ و بانیاس^۵ می‌توانند بنادر مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشند (Migdalovitz, 1998: p.53-60) کشور سوریه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی به قیمومیت

^۱. Syria

^۲. Middle East

^۳. Suez Canal

^۴. Tartus

^۵. Baniyas

کشور فرانسه در آمد. این کشور در سال ۱۹۴۵ میلادی به عضویت سازمان ملل درآمد و نهایتاً پس از خروج آخرین سرباز فرانسوی در سال ۱۹۴۶ میلادی سوریه استقلال عملی خود را بازیافت. سوریه از دیرباز یکی از مخالفین نفوذ دولت‌های غربی و استعمارگر به منطقه خاورمیانه بوده است، از آن جمله مبارزه با استعمار فرانسه و یا مخالفت آن‌ها با قرارداد سایکس-پیکات^۱ در سال ۱۹۱۶ میلادی که خاورمیانه را به دو منطقه نفوذ و استعمار فرانسه و بریتانیا تقسیم می‌کرد، می‌توان اشاره کرد. ضمن اینکه بعد از به قدرت رسیدن خانواده اسد در سال ۱۹۷۰ میلادی، سوریه یکی از مهم‌ترین حامیان جریان مقاومت و حزب‌الله لبنان در منطقه به شمار می‌رود تا جایی که سید حسن نصرالله^۲ دبیر کل حزب‌الله لبنان سوریه را تکیه‌گاه مقاومت معرفی می‌کند. سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است که سه عامل؛ واقع شدن در منطقه‌ی استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره‌ی شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک می‌نامند سوریه تنها بازیگر عربی است که در میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی، نقش مستقلی را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اهمیت نظامی و استراتژیک این کشور در منطقه است. در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه، تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی^۳ را در معرض خطر قرار دهد. از منظر راهبردی بی‌ثبات‌سازی سوریه، ناشی از معادلات و رقابت‌های راهبردی زیر است:

(الف) - تضعیف مقاومت اسلامی و مهار جمهوری اسلامی ایران.

(ب) - سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و دکترین نوعثمانی ترکیه

(ج) - اقدامات آل سعود به عنوان یکی از بازیگران محور آمریکا و رژیم صهیونیستی (-Humud and et al.1998:p15). (32)

از منظر محور آمریکا (برخی از کشورهای اروپایی، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و اردن) تضعیف مقاومت اسلامی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های راهبرد مهار جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. این موضوع آنجا اهمیت و اولویت بیشتری پیدا می‌کند که نخست؛ بیداری اسلامی در هارتلند^۴ (قلب زمین) و ریملند^۵ (حاشیه قلب زمین) بین‌الملل به وقوع پیوسته است و ثانیاً؛ سقوط رژیم مبارک^۶ در مصر، یکی از حلقه‌های محور آمریکا را بی‌ثبات نمود و توازن استراتژیک بین محورها را به نفع محور ایران و مقاومت اسلامی تغییر داد و ثالثاً؛ بیداری اسلامی در حال گذار از موج ضد استبدادی به موج ضد صهیونیستی و ضد استکباری است. بر این اساس تمرکز بر روی سوریه و بی‌ثبات‌سازی آن، به عنوان کلیدی‌ترین حلقه‌ی محور مقاومت اسلامی و عمق استراتژیک ایران، در واقع هدفی جز

¹. Sykes-Picot Agreement

². Hassan Nasrallah.

³. Zionist entity

⁴. Hartland

⁵. Rimland

⁶. Hosni Mubarak

برقراری توازن بین محورها و تضعیف مقاومت اسلامی و مهار ایران را دنبال نمی‌کند (Humud and et al.1998:p15-). (32)



نقشه شماره ۲- کشور سوریه

Source: (cimss.ssec.wisc.edu)

رویکرد نظری

عده‌ای اعتقادشان بر آن است که توازن قوا به نظام و سیستمی اشاره دارد که بازیگران اصلی، هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرآیند ایجاد توازن، تأمین و حفظ می‌کنند. بنابر تعریف بعضی از محققان دیگر، موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست، بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و بر هم زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند.

توازن قوا^۱ را «سیستمی از اتحاد قدرت‌ها» می‌دانند که در آن «صلح و امنیت ممکن است از طریق برابری قدرت میان دو بلوک رقیب برقرار گردد. کشورهای دخیل در سیستم موازنه‌ی قوا به اتحاد با ممالک دوست متوسل می‌شوند تا ضمن حفاظت از خود، موقعیت قدرتی بهتری به دست آورند». «موازنه قدرت»^۲ در فرهنگ لغات به معنی هم‌وزن کردن و سنجیدن دو چیز و برابر کردن آن‌ها با هم آورده شده است. در معنای اصطلاحی «توازن قدرت» یعنی حالتی از امور به صورتی که هیچ قدرت واحدی در وضعی نیست که دارای تفوق باشد تا بتواند برای دیگران قانون وضع کند. وقتی اصطلاح «توازن قدرت» را به کار می‌بریم معمولاً قدرت نظامی را در ذهن داریم، ولی این اصطلاح می‌تواند به سایر انواع قدرت در سیاست جهان نیز اشاره داشته باشد (healy and stein,1973:p.1-23).

¹. Balance of Power
². Balance Of Power

واژه‌ی توازن قوا از سابقه تاریخی زیادی برخوردار است و برای نظریه‌پردازان سیاسی و سیاستمداران دوره باستان نیز آشنا بوده است. باین وجود، از ابتدای قرن ۱۷ میلادی یعنی زمانی که علم حقوق بین‌الملل به دست گروسیوس^۱ و پیروانش شکل گرفت، نظریه توازن قوا به عنوان یک اصل بنیادی دیپلماسی تدوین شد. این اصل از زمان شکل‌گیری به عنوان ستون‌های علم سیاست مطرح شد (healy and stein, 1973: p.1-23).

توازن قدرت مفهومی است که توضیح می‌دهد دولت‌ها با مسائل امنیت ملی چگونه برخورد می‌کنند و برای حفظ امنیت ملی چگونه به تشکیل و تغییر اتحادیه‌ها و صف‌بندی‌ها روی می‌آورند. همچنین موازنه قدرت بر اثر تضاد منافع گروهی از دولت‌ها با دولت‌های دیگر به وجود می‌آید. این نظام قدرت زمانی شکل می‌گیرد که دولت‌های تجدید نظر طلب (طرفدار تغییر وضع موجود)، امنیت قدرت‌های وضع موجود را تهدید می‌کنند. مفهوم توازن قدرت در روابط بین دولت‌ها می‌تواند به صورت یک معادله توصیف شود. بدین صورت که دولت‌ها یا واحدهای عمل کننده در هر طرف این معادله، ممکن است دارای نیرویی تقریباً برابر باشند یا ممکن است که یک طرف معادله نیرویش موقتاً به طرف دیگر بچربد. از آنجا که دولت‌ها قدرت حاکمه‌اند و همواره در صدد آنند که منافع ملی خود را به حداکثر برسانند، توازن قدرت معمولاً در حالتی از نوسان و تغییر قرار دارد؛ مانند همان سیاست توازن قدرت آگاهانه‌ای که بریتانیای کبیر در قرن نوزدهم دنبال می‌کرد و هرگاه که این موازنه تهدید می‌شد به نفع طرف ضعیف‌تر تغییر موقعیت می‌داد. پدیده‌ی موازنه قدرت در سیاست جهانی تأثیری شگرف دارد و در کشمکش‌ها و نزاع میان قدرت‌ها دارای اهمیت اساسی است. موازنه قدرت فرایند یا نتیجه‌ای است از یک نظام دولتی که در آن دولت‌های مستقل دارای حق حاکمیت مختارند که به اتحادها و صف‌بندی‌ها بپیوندند یا از پیوستن به آن‌ها خودداری کنند چرا که هر دولتی در صدد است امنیت خود را به بهترین صورتش تأمین کند و منافع ملی خود را تا انتها درجه‌اش افزایش دهد. توازن قدرت پدیده‌ای نیست که به طور مجرد و مطلق بیانگر منافع همه‌ی کشورها باشد و از این جهت به مانند صلح است چرا که صلح هم - بسته به زمان و مکان و شرایط - ممکن است به منافع ملی کشورها کمک کند یا نکند. توازن قدرت فاقد تشکیلات مرکزی برای هدایت آن است و ائتلاف دولتهایی که موازنه را به وجود می‌آورند معمولاً بر اساس تغییر عضویت کشورها و برای دوره‌ای کوتاه مدت و با اهداف محدود صورت می‌گیرد. نظریه‌ی توازن قوا قدیمی‌ترین و شاید منسجم‌ترین تئوری در شاخه‌ی روابط بین‌الملل از علوم سیاسی است. رئالیست‌های سیاسی بر این اعتقاد بوده‌اند که موازنه قدرت برای حفظ سیاست وضع موجود ضروری است و لذا درباره موازنه قدرت نظرها و تعاریف متعددی ارائه نموده‌اند؛ برخی آن را به صورت تغییر شکل توزیع قدرت و یا مکانیسمی خودکار در سیاست بین‌الملل و همچنین بر وضعیت موجود، ایجاد تعادل و یا عدم تعادل مطلوب و مناسب می‌گردد، تعبیر و تفسیر کرده‌اند. این مقوله هنگامی مطرح می‌شود که دولت یا دولت‌ها سهمی افزون‌تر از قدرت را در نظام بین‌الملل می‌طلبند به گونه‌ای که چنین فرآیندی باعث برهم خوردن سیستم توزیع قدرت در سیاست بین‌المللی یا منطقه‌ای شود. ممکن است بعضی از دولت‌ها افزایش قدرت دیگران را تهدیدی نسبت به امنیت و استقلال و منافع خود تلقی کرده، برای برقراری مجدد موازنه قدرت به اقدامات نظامی یا دیپلماتیک دست

¹. Hugo Grotius

بزنند. مفروضات دیدگاه واقع‌گرایی^۱ عمدتاً حول محور بدبینانه فلسفی آنان از انسان دور می‌زند (Morgenthau, 1985:p.237-257). واقع‌گرایان با الهام از هابز انسان را ذاتاً شرور و شرارت انسان را منبعث از قدرت طلبی و زیاده‌خواهی او می‌دانند و از آنجا که کشورهای مختلف منافع متضادی دارند که جمع بین آنها ممکن نیست و هر واحد بین‌المللی، خواهان تأمین امنیت و بقای خود است، جنگ امری عادی و ممکن است. به دیگر سخن واقع‌گرایان و نظریه موازنه قدرت می‌گویند، کشورها از انسان‌های قدرت‌طلب، زیاده‌خواه و مضطرب از به خطر افتادن امنیت خود تشکیل شده است و صحنه بین‌الملل، عرصه رقابت بین کشورهای مختلف است و کشورها برای حفظ برتری و تأمین امنیت دائمی خود به حفظ قدرت، افزایش قدرت و کسب اعتبار اقدام خواهند کرد؛ از این رو کشورها در صورت امکان خود، به تنهایی یا به صورت اتحاد با دیگران در مقابله با هر کشوری که در رسیدن به این اهداف راه آنان را سد کند، دست به خشونت خواهند زد. پس خشونت در نظام بین‌الملل امری طبیعی شمرده می‌شود. کشورهایی که از لحاظ نظامی قوی‌ترند، منافع ملی خود را بر حسب قدرت نظامی تأمین می‌کنند و با رضایت از تأمین قدرتمندانه منافع ملی نظام موجود را به نفع خود حفظ خواهند کرد ولی کشورهایی که تحت فشار منافع ملی، خود را تسلیم قدرت‌های فاتح کرده‌اند از وضع خود ناراضی هستند و برای از بین بردن وضع موجود به تجهیز نظامی خود اقدام خواهند کرد و در مقابل کشورهای راضی برای حفظ وضع موجود بر قدرت نظامی خود خواهند افزود و به طور خودکار تعادل نیروها و موازنه قدرت بین آنان به طور پایداری حفظ خواهد شد. هانس. جی. مورگنتا^۲ (۱۹۸۰-۱۹۰۴) بر این نظر است که دولت‌ها در چارچوب قدرت دارای انتخاب‌های سیاسی محدودی هستند که عبارت‌اند از: ۱- حفظ وضع موجود (حفظ قدرت) ۲- افزایش قدرت ۳- نمایش قدرت که ممکن است کشورها به دلایل مختلف از جمله موازنه قدرت از سیاست حفظ وضع موجود پیروی کنند؛ بنابراین تنها راه جلوگیری از جنگ ایجاد نوعی سیستم موازنه قدرت است؛ بنابراین و در حوزه تعریف، مفهوم موازنه قدرت شامل: توزیع قدرت، تعادل قوا بین دو و یا چند قدرت متخاصم، تفوق نیرو. ارنست هاس ۸ معنا، مارتین وایت ۹ معنا، کنت والتز ۱۰ معنا برای موازنه قدرت در نظر گرفته‌اند. دلایل واقع‌گراها برای حمایت از موازنه قدرت: ۱- معتقدند نمی‌توان قوانین اخلاقی که ناظر بر اعمال افراد است را شامل حال دولت‌ها نیز دانست ۲- تعقیب اصل موازنه قوا برای عده‌ای زیادی از دولت‌ها نتایج مناسب را به دنبال دارد (Morgenthau, 1985:p.237-257).

تحولات سوریه

بر طبق آمارگیری سال ۲۰۱۰ میلادی سوریه دارای جمعیتی بالغ بر ۲۲/۵۱۷ میلیون نفر است. سوریه مدت ۴۸ سال توسط حزب بعث یعنی پدر و پسری از خاندان اسد اداره می‌شود. تحولاتی که طی سال‌های اخیر در کشورهای عربی رخ داد و نام‌هایی چون بهار عربی، بیداری اسلامی و... به خود گرفت. اعتراضات مردم سوریه از ابتدای سال ۲۰۱۱ در شهرهای مختلف این کشور و هم‌نوا با دیگر کشورهای عربی شروع شد، خواسته معترضان خلعید از حزب بعث و نیز کناره‌گیری رییس جمهور بشار اسد از قدرت بود. جرقه بحران در سوریه از آنجا آغاز شد که چند دانش آموز با نوشتن شعارهای ضد حکومتی بر در و دیوار موجب خشم مقامات امنیتی سوریه را فراهم آورد. زمانی که

^۱. Realism

^۲- Hans Joachim Morgenthau

نیروهای امنیتی اقدام به دستگیری این دانش آموزان نمودند با اعتراض اولیای آنها مواجه شدند که رژیم اقدام به برخورد نظامی و امنیتی نمود. پانزدهم مارس ۲۰۱۱ میلادی در شهر درعا مرکز استانی به همین نام^۱، به فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب دمشق و مرز مشترک با اردن، اعتراضات سوریه با حمله گروهی به مقر حزب بعث، رادیو و تلویزیون، مرکز پلیس و کاخ دادگستری آغاز شد که نتیجه آن بیش از ۱۰۰ کشته و مجروح بود (Migdalovitz, 1998: p.26-40).

معارضین در سوریه متعدد و متفاوت‌اند و در موضوعات مختلف، اختلاف‌نظرهای اساسی دارند. بر این اساس فقدان اشتراک نظر و وحدت رهبری میان مخالفان، خود یکی از موانع اصلی رسیدن به یک راه‌حل سیاسی برای مخالفان است. عمده‌ترین گروه‌ها و جریان‌های معارض عبارت‌اند از:

۱- شورای ملی سوریه^۲ (المجلس الوطني السوري): این شورا متشکل از گروه‌های اصلی مخالف دولت سوریه است و هدف خود را براندازی دولت بشار اسد اعلام کرده و بیشتر رهبران آن جزء طیف خارج نشین هستند. این گروه پس از آغاز ناآرامی‌ها در سوریه و به دنبال نشستی که با حمایت ترکیه در سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی در استانبول تشکیل شد، تأسیس گردید و بیشتر اعضای آن معارضان خارج نشین و تبعیدیان هستند (Syrian National Council, 2011: 1-5).

ترکیب شورای ملی سوریه را گروه‌های مختلفی نظیر اعضای تبعید شده اخوان المسلمین^۳، اعلامیه دمشق برای تغییرات دمکراتیک، کمیته هماهنگ محلی، کمیسیون انقلاب سوریه، احزاب کرد، رهبران طوایف و قبایل و نیز نیروهای مستقل شکل داده است. یکی از سیاست‌های اصلی شورای ملی، ایده دخالت خارجی است که از آن برای حل مسائل داخلی حمایت می‌کند. شورای ملی روابط و همکاری بسیار نزدیکی هم با ارتش آزاد سوریه دارد. برهان غلیون^۴ استاد جامعه‌شناسی مقیم پاریس رهبر این شورا است و اعضای فعال آن بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر تخمین زده می‌شود. به باور بسیاری، تحصیلات و ارتباطات غلیون با غرب می‌توانست برگ برنده او در جایگزینی اسد باشد، اما اختلافات سیاسی و مذهبی نشان داد که ریاست او در شورای مخالفان سوریه نیز دیری نمی‌پاید، به گونه‌ای که در پی افزایش انتقادات اعضا نسبت به انتخاب مجدد او در اوایل خرداد ماه، شورا با استعفای غلیون موافقت کرد.

۲- کمیته هماهنگی ملی برای تغییر دمکراتیک^۵: رهبری و هماهنگی این جریان را که در واقع معارضان داخلی حکومت سوریه هستند، «حسین عبدالعظیم» بر عهده دارد. اکثریت اعضای این گروه از سکولارهای چپ، گروه‌های ناسیونالیست و احزاب کرد هستند و یکی از منتقدان جدی شورای ملی سوریه و برهان غلیون به شمار می‌روند. کمیته هماهنگی ملی برای تغییر دمکراتیک با این که منتقد بشار اسد است اما به شدت مخالف دخالت خارجی در سوریه است. به طور مثال «میشل کیلو» یکی از تأثیرگذاران این جریان مدتی پیش اعلام کرد که به علت خط مشی شورای ملی و کمک گرفتن از بیگانگان، قصد ندارند با آنها ائتلاف کنند (Syrian National Council, 2011: 1-5).

¹. Daraa Governorate

². Syrian National Council

³. Muslim Brotherhood

⁴. Burhan Ghalioun

⁵. National Coordination Committee for Democratic Change

۳- ارتش آزادی‌بخش سوریه^۱ (الجیش السوری احر): این گروه متشکل از افسران و سربازان جدا شده از ارتش سوریه و از مهم‌ترین بازیگران معارضة سوریه هستند. شکل‌گیری این ارتش به ژوئیه ۲۰۱۱ میلادی برمی‌گردد؛ زمانی که فیلم ویدئویی از جدانشدگان ارتش با لباس نظامی روی سایت‌های اینترنتی قرار گرفت و آن‌ها از نظامیان دیگر خواستند که ترک خدمت کرده و به ارتش آزاد سوریه بپیوندند. رهبر این گروه نظامی «سرهنگ ریاض الاسعد» است که در یک مقطع زمانی کنترل برخی شهرهای کوچک مثل الزیدانی و دوما را در دست گرفت و پس از حملات ژانویه ۲۰۱۲ میلادی ارتش سوریه، مجبور به عقب نشینی شد. بیشترین حمایت‌های مالی و تسلیحاتی ارتش آزاد از طرف قطر و عربستان سعودی انجام شده و قاچاق سلاح از مرزها نیز در تسلیح آن‌ها مؤثر بوده است (O'Bagy, 2013: 6-46).

۴- داعش^۲: دولت اسلامی در عراق و شام یا «داعش» گروه مسلحی است که با تفکرات سلفی افراطی و تروریستی، در تلاش است در سوریه و عراق «خلافت اسلامی» ایجاد کند. این گروه همان‌طور که از نامش پیدا است، در عراق و سوریه فعال است. سرکرده این گروه تروریستی «ابوبکر البغدادی»^۳ نام دارد. گروه «دولت اسلامی در عراق» در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ میلادی و پس از نشست شماری از گروه‌های مسلح در عراق شکل گرفت. در این نشست «ابوعمر البغدادی» به عنوان سرکرده آن تعیین شد. این گروه از زمان تشکیل در سال ۲۰۰۶ عملیات و حملات تروریستی بسیاری را در عراق بر عهده گرفته است. پس از هلاکت ابوعمر البغدادی، «ابوبکر البغدادی» به عنوان جایگزین وی معرفی شد. با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند (National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism, 2014: www.start.umd.edu).

۵- جبهه النصره^۴: گروه «جبهه النصره» در اواخر سال ۲۰۱۱ میلادی و با آغاز بحران و جنگ در سوریه به عنوان شاخه گروه «دولت اسلامی در عراق» تشکیل شد و به سرعت به یکی از گروه‌های مطرح در این عرصه تبدیل گشت.

ابوبکر البغدادی سرکرده دولت اسلامی در عراق در پیامی صوتی ادغام جبهه النصره و دولت اسلامی در عراق را اعلام کرد تا بدین ترتیب گروه «دولت اسلامی در عراق و شام» شکل بگیرد. عناصر داعش از اواخر دسامبر ۲۰۱۳ و اوایل سال ۲۰۱۴ میلادی و با آغاز عملیات نیروهای ارتش عراق برای پاکسازی الانبار^۵، وارد شهر فلوجه^۶ در این استان شدند. پس از تشکیل گروه «توحید و جهاد» به سرکردگی «ابومصعب الزرقاوی»^۷ در سال ۲۰۰۴ میلادی و بیعت او با «اسامه بن لادن»^۸ سرکرده سابق «القاعده»، این گروه به شاخه سازمان القاعده در عراق تبدیل شد. این

¹. Free Syrian Army

². Islamic State of Iraq and the Levant

³. Abu Bakr al-Baghdadi

⁴. Al-Nusra Front

⁵. Anbar

⁶. Fallujah

⁷. Abu Musab al-Zarqawi

⁸. Osama bin Laden

گروه با گسترش عملیات خود به یکی از قدرتمندترین گروه‌های تروریستی در عراق تبدیل شد تا اینکه الزرقاوی در سال ۲۰۰۶ در اظهاراتی ضبط شده از تشکیل شورای مجاهدین به سرکردگی «عبدالله رشید البغدادی» خبر داد. پس از هلاکت الزرقاوی در سال ۲۰۰۶ میلادی «ابوحزمه المهاجر» به عنوان سرکرده این گروه تعیین شد. در پایان آن سال نیز گروه «دولت اسلامی عراق» به ریاست «ابوعمر البغدادی» تشکیل شد (Cafarella, 2014: p.15-43).

حدود چهار سال پیش نیروهای مشترک عراقی و آمریکایی در عملیاتی در منطقه «الثرثار» منزلی را که «ابوعمر البغدادی» و «ابوحزمه المهاجر» در آن پناه گرفته بودند، هدف قرار دادند. با شدت گرفتن تبادل آتش، جنگنده‌ها آن منزل را بمباران کردند که در نتیجه آن این دو تروریست از پای در آمدند. یک هفته بعد این گروه در بیانیه‌ای در اینترنت به هلاکت این دو تروریست اذعان کرد و پس از حدود ۱۰ روز «ابوبکر البغدادی» به عنوان جانشین و سرکرده جدید تعیین شد. «الناصرلدين الله سليمان» نیز به عنوان وزیر جنگ معرفی شد. عناصر داعش در مناطق محدودی از برخی استان‌های عراق به ویژه استان «الانبار» حضور دارند و عملیات تروریستی در کل عراق را پوشش می‌دهند، عناصر داعش در مناطق مختلف سوریه نیز حضور دارند و به جنایات متعدد علیه مردم سوریه دست می‌زنند.

عناصر گروه داعش مانند «جبهه النصره» از بی‌رحم‌ترین تروریست‌های حاضر در سوریه و عراق هستند. فیلم‌ها و تصاویر منتشر شده از جنایات‌های این گروه تروریستی موجب شد که حامیان گروه‌های مسلح در سوریه مدعی شوند که از این گروه حمایت نمی‌کنند. حتی برخی گروه‌ها نیز برای افزایش دریافت حمایت‌های بین‌المللی خود را مخالف این گروه جلوه داده و با داعش وارد جنگ شده‌اند. با توجه به گستردگی کمک‌های مالی، تسلیحاتی و لجستیکی که با آغاز جنگ در سوریه به این کشور سرازیر شده است؛ تلاش گروه‌های مسلح به ویژه داعش برای دستیابی هرچه بیشتر به این کمک‌ها و سلطه بر گروه‌های دیگر شدت گرفت که این امر موجب آغاز جنگ و درگیری گروه‌های مسلح با یکدیگر شد؛ اما با وجود اعلام برائت حامیان گروه‌های مسلح از داعش و جبهه النصره، کمک‌های حامیان خارجی همچنان به دست این دو گروه می‌رسد. این کمک‌ها در قالب حمایت‌های مالی، تسلیحاتی، لجستیکی، اطلاعاتی، آموزشی و غیره از سوی حامیانی مانند عربستان، قطر و ترکیه به همراه چند کشور غربی، موجب ادامه جنگ و ویرانی در سوریه شده است (Cafarella, 2014: p.15-43).

بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نقش‌آفرین در تحولات سوریه

تاکنون اسناد، مدارک و شواهد مستدل و زیادی از سوی مراکز متعدد سیاسی و امنیتی چه در داخل سوریه و چه در خارج از سوریه برملا شده است که به روشنی نشان می‌دهد اقدامات و عملیات‌های تروریستی گروه‌های مخالف بشار اسد، به‌طور مطلق از سوی کشورهای خارجی هدایت می‌شوند؛ که در این راستا و در قریب به اتفاق موارد کشورهای عربستان، قطر، ترکیه، امارات (محور عربی-ترکی) و همچنین آمریکا، فرانسه و انگلیس (محور غربی) به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از حامیان مستمر و دائمی گروه‌های مخالف و تروریست‌ها در سوریه به شمار می‌روند. کما اینکه در تقویت مالی و تسلیحاتی تروریست‌ها نقش مؤثری ایفا نموده و در طراحی، سازمان‌دهی و هدایت عملیات‌های تروریستی نظارت ویژه‌ای دارند. در حقیقت، کشورهای غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا و دنباله‌روهای منطقه‌ای آنان از جمله عربستان، قطر، ترکیه و امارات، در پشتیبانی همه جانبه از تروریست‌ها

و سازمان‌دهی و مسلح کردن آنان در سوریه به صورت ویژه‌ای دست داشته و در واقع به عنوان کشورهای مطرح می‌باشند که سنگ بنای ورود تروریسم تا دندان مسلح به تحولات سوریه را نهاده‌اند که در این زمینه حقایق زیادی تاکنون بر ملاً شده است.

۱- آمریکا

نقش محوری آمریکا در سازمان‌دهی و حمایت از تروریسم در سوریه فرض مسلم این است که ایالات متحده آمریکا را باید یکی از کشورهای اصلی در تحولات مربوط به سوریه به شمار آورد که در سازمان‌دهی، حمایت و پشتیبانی‌های مالی، تسلیحاتی و سیاسی از گروه‌های تروریستی مخالف نظام اسد و همچنین نظارت و هدایت عملیات‌ها و اقدامات گروه‌های معارض و تروریستی علیه دولت دمشق به صورت مستقیم و یا با واسطه نقش برجسته‌ای را بازی می‌کند؛ که در این میان سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، بیشترین فعالیت را بر عهده دارد. در این راستا، باید به ارتباط آمریکا با جبهه النصره که از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین گروه‌های مسلح و تروریست در سوریه بوده و در ژانویه ۲۰۱۲ میلادی اعلام موجودیت کرد، اشاره نمود؛ که با حمایت‌های تسلیحاتی آمریکا توانسته است فجایع بزرگی در این کشور رقم بزند. مسئولین امنیتی سوری بر این باورند که اگر تا چندی پیش آمریکایی‌ها در عراق داعیه جنگ با هم‌پیمان خودروی زمین یعنی القاعده را داشتند و حداقل سعی می‌کردند چنین نقشی را در برابر افکار عمومی عراقی و بین‌المللی بازی کنند، اما این پرده در سوریه کاملاً دریده شده است و آمریکایی‌ها عملاً با ده‌ها گروه تروریستی فعال در سوریه و در رأس آن جبهه النصره همکاری تنگاتنگی دارند (demir,2013:1-23). همچنین، عربستان، قطر و تعداد دیگری از کشورهای عربی نیز با پشتیبانی آمریکا کمک‌های مالی فراوانی به سوی این گروه سرازیر کرده‌اند. در حالی که ترکیه و آمریکا نیز هر از چند گاهی کمک‌های تسلیحاتی خود را به این گروه ارائه می‌کنند، به طوری که بنا به گفته شاهدان، هم اکنون این گروه از جدیدترین تسلیحات اسرائیلی هم بهره‌مند شده است. این در حالی است که منابع نزدیک به جبهه النصره ادعا می‌کنند منبع اصلی تسلیحات آن‌ها «مافیای سلاح آلبانی» است که آن‌ها را به جدیدترین سلاح‌ها مجهز می‌کند. برخی از محافل بی‌طرف نیز خبر از انتقال محموله‌های مختلف سلاح از برخی از کشورهای عربی به این گروه می‌دهند (demir,2013:1-23).

۲- روسیه

سوریه از سنتی‌ترین متحدان روسیه در منطقه و جزء حوزه نفوذ این کشور است. بی‌گمان در میان کشورهای خاورمیانه جایگاه سوریه نزد مقامات روسیه، ویژه و خاص است. گذشته تاریخی دو کشور و حضور نیروی دریایی روسیه در پایگاه طرطوس در مدیترانه اهمیت این کشور در نزد روسیه را دو چندان نموده است. با عطف به اهمیت است که از همان ابتدای شروع تحولات سیاسی بهار عربی، روس‌ها نگاه متفاوتی به بحران سوریه داشتند. اگر این کشور در بحران لیبی به اقدام نظامی قدرت‌های غربی در سرنگونی سرهنگ قذافی چراغ سبز نشان داد، در سوریه یک تنه در برابر فشارها و تهدیدهای نظامی آمریکا و متحدان اروپایی‌اش ایستاد و مانع از تکرار سناریوی لیبی در سوریه شد. وتوی قطعنامه‌های متعدد در شورای امنیت و ارائه کمک‌های لجستیکی و نظامی به ارتش دولت سوریه تنها گوشه‌ای از تلاش‌های روسیه در بحران سوریه است.

در زمان شوروی سابق، مسکو با حمایت از حامیان خود در خاورمیانه نقش مهمی در تحولات منطقه ایفا می‌نمود، اما پس از فروپاشی اتحاد کمونیستی با توجه به ضعف قدرت روسیه، نفوذ سنتی کرمین در منطقه نیز تا حد زیادی کاهش یافت. البته با گذر زمان و بهبود وضعیت اقتصادی روسیه، مسکو بار دیگر اهمیت دیرین خود را در منطقه باز یافت. در این بین سوریه یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود که همواره روابط نزدیکی با روسیه داشته است. از اواخر دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ میلادی سوریه مهم‌ترین متحد مسکو در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شد. طوری که در آن دوران ارتش سوریه همواره توسط مدرن‌ترین جنگ افزارهای روسی مسلح می‌شد. در سال‌های پس از فروپاشی شوروی نیز روسیه نزدیکی خود با سوریه را در قالب تمایل جهت حل و فصل مسائل جهانی قرار داده بود. از مهم‌ترین محورهای این جهت‌گیری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- مسکودر روند تعدیل روابط سوریه و اسرائیل و نیز در روند تعدیل اوضاع در مناسبات لبنانی-اسرائیلی شرکت می‌کرد.

۲- روسیه نقش کنترل‌کننده برنامه‌های نظامی سوریه را بر عهده گرفته بود

۳- مسکو در چارچوب نزدیکی روابط با دمشق به ایفای نقش در مبارزه با تروریسم می‌پرداخت و می‌کوشید تا از طریق سوریه بسیاری از مسائل مرتبط با چین راحل و فصل نماید. این موارد باعث شده بود که روسیه و سوریه، هم در سال‌های شوروی سابق و هم پس از آن، همواره از روابط نزدیکی با یکدیگر برخوردار باشند. این روابط تا زمان وقوع ناآرامی‌ها در سوریه ادامه داشت، اما پس از آن روابط دو کشور وارد مراحل جدیدتری شد.

با آغاز بحران در سوریه شاهد حضور سایر کشورها در این منطقه هستیم، هرکدام از این کشورها به دنبال منافع در این بحران هستند. گروهی از کشورها از جمله فرانسه و کشورهای حامی سیاست‌های غرب در منطقه خواستار مداخله نظامی و براندازی حکومت اسد هستند و گروه دیگر از جمله روسیه و ایران خواهان عدم مداخله نظامی و انجام اصلاحات به دست خود مردم سوریه هستند. مخالفان سوری نیز به دودسته، مخالفان داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند، که هرکدام به شیوه‌ای خاص عمل می‌کنند. مخالفان داخلی به دنبال کسب امتیاز از دولت و ایجاد اصلاحات داخلی هستند، اما مخالفان خارجی به دنبال براندازی، به هر شیوه ممکن هستند. این گروه باندی‌ها باعث تشدید بحران در سوریه شده است.

روسیه یکی از مهم‌ترین حامیان بین‌المللی حکومت بشار اسد در سوریه به شمار می‌رود. بقای رژیم او در حفظ منافع روسیه در سوریه امری حیاتی است. روسیه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را که علیه بشار اسد به تصویب رسید، و تو کرد. این کشور علیرغم انتقادات بین‌المللی همچنان در تأمین تسلیحات نیروهای دولتی سوریه نقش مهمی دارد. مسکو تلاش می‌کند تا بندر طرطوس در سوریه همچنان به عنوان تنها پایگاه این کشور در دریای مدیترانه برای ناوگان این کشور باقی بماند. روسیه نگران است که در صورت سقوط بشار اسد و با روی کار آمدن دولت جدیدی که مورد حمایت آمریکا باشد، ادامه فعالیتش در این بندر مختل شود. در سپتامبر سال جاری (۲۰۱۵ میلادی) روسیه حملات هوایی را علیه پیکارجویان وابسته به گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) و همه تروریست‌ها در سوریه آغاز کرد؛ اما گفته شده که گروه‌های مخالف دولت بشار اسد که از حمایت غرب برخوردار

هستند هدف این حملات هوایی روسیه قرار گرفته‌اند. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه گفته است که تنها یک راه حل سیاسی می‌تواند به مناقشه در سوریه خاتمه دهد (Kaim and Oliver, 2015: p.1-5).

روسیه قبلاً در برخی حوادث دیگر منافع بزرگی را از دست داده بود و شاید تحت تأثیر همان تجربه این‌گونه رفتار کرد. با توجه به چنین تجربه‌ای بود که روسیه موضع دیگری را در مورد سوریه اتخاذ کرد و این بار به طور صریح و محکم از حکومت دوست خود پشتیبانی کرد تا برخلاف گذشته جلوی از دست دادن منافع بزرگ خود آن‌هم به سود رقبایش در خاورمیانه را بگیرد. روسیه نگاه خوبی به تغییر نظام در سوریه ندارد و در بدترین وضعیت می‌پذیرد که جابه‌جایی مختصر در نخبگان حاکم انجام گیرد، امری که به نظر می‌رسد، روس‌ها در گذشته در یک منطقه دیگر به‌خوبی آن را به کار بسته و جلوی از دست رفتن منافع و نفوذشان را به طور کل گرفته‌اند. انقلابات رنگین در برخی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته، اگرچه از نظر بسیاری، تحولی شگرف دیده شد که شدیداً منافع روسیه را به خطر انداخت، ولی در واقع تغییرات در حد نخبگان حاکمی صورت گرفت که پس از مدت کوتاهی در چارچوب نظام حاکم ناتوان، مستحیل و یا از بین رفتند و کماکان روسیه منافع خود را در این کشورها حفظ کرد.

۳- عربستان سعودی

عربستان معتقد است که بشار اسد نمی‌تواند بخشی از راه حل درگیری در این کشور باشد و باید قدرت را به دولتی انتقال تحویل دهد و یا با توسل به قوه قهریه از قدرت برکنار شود. عربستان یکی از کشورهای اصلی در زمینه ارائه کمک‌های مالی و نظامی به چندین گروه شورشی مخالف دولت سوریه با ایدئولوژی‌های اسلامی است. این کشور همچنین برای حفاظت از غیرنظامیان سوری در مقابل بمباران‌های نیروهای دولتی سوریه خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع در خاک سوریه شده است. مقامات سعودی از این که دولت باراک اوباما در پی حملات شیمیایی سال ۲۰۱۳ به مناطقی از سوریه حاضر به مداخله نظامی در این کشور نشد، خشمگین شدند. دولت عربستان نیروهای بشار اسد را در استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه غیرنظامیان مقصر می‌دانست. این کشور بعداً تصمیم گرفت که در حملات هوایی ائتلاف به رهبری آمریکا علیه نیروهای داعش شرکت کند. مقامات سعودی نگران پیشروهای گروه داعش و محبوبیت آن در میان گروهی از مردم عربستان هستند (Berti and Guzansky, 2012: p.1-3).

۴- ترکیه

دولت ترکیه از زمان شروع ناآرامی‌های سوریه یکی از منتقدان جدی رژیم بشار اسد بود. رجب طیب اردوغان^۱، رئیس جمهور ترکیه گفته است که مردم سوریه غیرممکن است دیکتاتوری را که باعث مرگ حدود ۳۵۰ هزار نفر در این کشور شده را بپذیرند. ترکیه یکی از حامیان اصلی مخالفان دولت سوریه به شمار می‌رود. این کشور میزبان دست کم دو میلیون پناهجوی سوری است. سیاست این کشور مبنی بر اجازه دادن به پیکارجویان شورشی، پناهجویان و همچنین محموله‌های تسلیحاتی برای عبور از نقاط مرزی این کشور، مورد سوء استفاده خارجیانی قرار گرفته که قصد پیوستن به داعش را دارند. ترکیه در ژوئیه سال جاری (۲۰۱۵ میلادی) به ائتلاف به رهبری آمریکا اجازه داده تا از پایگاه‌های هوایی این کشور در انجام حملات هوایی علیه داعش استفاده کنند. ترکیه از منتقدان ائتلافی است که از

^۱. Recep Tayyip Erdoğan

یگان‌های مدافع خلق، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک دفاع می‌کند. اردوغان معتقد است که حزب اتحاد دموکراتیک (در سوریه) مانند پک‌ک^۱، حزب کارگران کردستان در شورش‌های سی سال اخیر در جنوب ترکیه نقش داشته است (Phillips, 2015: 34-39).

ایران و تحولات سوریه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دو کشور ایران و سوریه علی‌رغم اینکه دارای گرایش‌های فکری و ایدئولوژیکی متفاوتی بودند، به واسطه اتخاذ مواضع مشترک پیرامون برخی از موضوعات و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی سطح روابط خود را به ویژه در عرصه‌های سیاسی و امنیتی روز به روز گسترش دادند. طی دوران جنگ تحمیلی، سوریه تنها کشور عربی بود که در کنار جمهوری اسلامی ایران ماند و از آن حمایت کرد. همکاری استراتژیک ایران و سوریه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی کاملاً ماهیت تدافعی داشت و لبنان نیز یکی از حوزه‌های مشترک میان این دو کشور بود (Bassiri Tabrizi and Pantucci, 2015: p.3-11). برقراری شرایط مناسب در لبنان از سوی سوریه برای شکل‌گیری، انسجام و شکوفایی جنبش حزب الله اوج همکاری‌های دو کشور در مسائل لبنان را نشان می‌دهد. حمایت دو کشور ایران از گروه‌های مختلف فلسطینی از جمله حماس و جهاد اسلامی موجب تقویت جبهه مقاومت و انتفاضه فلسطین^۲ گردید. این دو کشور همواره در این مسیر در کنار هم قرار داشتند و از یکدیگر فاصله نگرفتند. طی این دوران تحولات مهمی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی داد که هرکدام از این تحولات می‌توانست شکافی در مناسبات دو کشور ایجاد کند؛ اما این تحولات بخصوص پایان یافتن جنگ تحمیلی، درگذشت رهبران عالی‌رتبه دو کشور، فروپاشی شوروی^۳ و حمله عراق به کویت^۴ نه تنها موجب فاصله گرفتن این دو کشور از یکدیگر نشد بلکه مواضع دو کشور را پیرامون تحولات لبنان، فلسطین و عراق در سطح منطقه و اقدامات آمریکا و کشورهای غربی در سطح بین‌المللی بیش از پیش به هم نزدیک‌تر کرد.

به طور کلی سه تحلیل اساسی درباره نوع رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال سوریه وجود دارد؛

۱- تحلیل حقوق بشری: طرفداران این دیدگاه بر این باورند که حکومت بشار اسد و حاکمیت حزب بعث در سوریه دارای ساختار غیر دموکراتیک و ناعادلانه بوده و در جریان تحولات اخیر و برخورد با معترضان به نقض گسترده حقوق بشر پرداخته است و جمهوری اسلامی نیز باید با درک این موضوع، همگام با کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه‌ای، از جمله ترکیه و بیشتر کشورهای عضو اتحادیه عرب، در صف تحریم کنندگان سوریه قرار گرفته و سرانجام در راستای سقوط حکومت بشار اسد حرکت کند (Goodarzi, 2013: p.7-10).

۲- تحلیل صرفاً ایدئولوژیک: معتقدین به این دیدگاه بر این باورند که حکومت کنونی سوریه در صف جریان مقاومت منطقه بوده و موقعیت استراتژیکی این کشور به لحاظ هم‌جواری با گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آن جا که سقوط بشار اسد در صف جریان مقاومت خلل ایجاد می‌کند، باید در هر شرایطی، از سقوط حکومت سوریه جلوگیری کرد.

^۱. Kurdistan Workers' Party

^۲. Intifada

^۳. Dissolution of the Soviet Union

^۴. Gulf War

۳- تحلیل ژئوپلیتیکی: معتقدین به این دیدگاه معتقدند جمهوری اسلامی یک قدرت منطقه‌ای است و یکی از مؤلفه‌های برتری قدرت ایران، ساختار سیاسی و امنیتی حاکم بر این منطقه است. ساخت قدرت در منطقه خاورمیانه، وجود گروه‌های مقاومت از جمله حزب الله^۱، اتحاد محکم حکومت کنونی سوریه با جمهوری اسلامی، موقعیت استراتژیک این کشور عربی و بهار عربی موقعیت برتر جمهوری اسلامی را تحکیم بخشیده و سقوط حکومت سوریه به ویژه با دخالت خارجی، معادلات را به نفع رقبای منطقه‌ای و مخالفان فرا منطقه‌ای جمهوری اسلامی متحول خواهد ساخت، بنابراین، راهبرد جمهوری اسلامی باید مبتنی بر حفظ موقعیت کنونی سوریه باشد. صرف نظر از قضاوت درباره هر کدام از دیدگاه‌های فوق و اینکه چه بخشی از افکار عمومی را پوشش می‌دهند، به نظر می‌رسد هیچ کدام از این دیدگاه‌ها به تنهایی نتوانند ترسیم کننده راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سوریه باشد (Goodarzi, 2013: p.7-10). در اوضاع کنونی، در پیش گرفتن راهبردی چند لایه و چند بعدی در دیپلماسی ایران نسبت به تحولات سوریه که در برگیرنده جنبه‌های گوناگون هر سه دیدگاه فوق باشد عقلانی‌تر است. در این راستا معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه نیز با بیان اینکه ایران در هر شرایطی از جبهه مقاومت و شخص بشار اسد حمایت می‌کند گفت: سیاست خارجی ایران در خصوص بحران سوریه بر چهار محور استوار است، توقف خشونت و کشتار در سوریه، عدم مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان و حفظ دولت بشار اسد و هم چنین ضرورت اصلاحات داخلی و رجوع به آرا مردم برای تعیین سرنوشت آینده کشور.

توازن منطقه‌ای و چشم انداز سیاست خارجی ایران در تحولات سوریه

منافع سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و نیز منافع قدرت‌های فرا منطقه‌ای و رقابت میان آن‌ها در منطقه خاورمیانه، شرایطی را رقم زده است که این منطقه در چرخه‌ای از تأثیر و تأثر امنیتی قرار گیرد و امنیت هر یک از واحدهای آن بدون در نظر گرفتن واحدهای دیگر امکان‌پذیر نباشد. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران امنیت خود را در قالب تعاریف موسع امنیت تعقیب می‌کند، طبیعتاً هرگونه تغییر و تحول در سطوح منطقه‌ای یا بین‌المللی، در ابعاد مختلف امنیت کشور ما آثاری بر جای می‌گذارد. هیچ نظام پایدار و متعادل منطقه‌ای بدون ایجاد وابستگی متقابل در زمینه‌های مختلف بین بازیگران اصلی دوام نمی‌یابد. منطق استدلال فوق این است که در صورت بروز هرگونه ناامنی و بی‌ثباتی در سطح منطقه، کلیه بازیگران اعم از منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای متحمل هزینه‌های زیادی می‌شوند. (Barzegar, 2013: 73).

به هر حال دو کشور ایران و سوریه امروزه یکی از قوی‌ترین و عمده‌ترین اتحادها را در کل خاورمیانه تشکیل داده‌اند. سوریه به عنوان کشوری رانده شده در جهان عرب، نیازمند یک حامی مالی و متحدی استراتژیک است که در منطقه به لحاظ سیاسی از خودش قدرتمندتر باشد که ایران می‌تواند چنین نقشی را ایفا نماید. در واقع می‌توان استدلال نمود که ائتلاف بین ایران و سوریه از ترکیبی از ملاحظات استراتژیک، تهدیدات امنیتی مشترک، اتحاد ایدئولوژیک و نیاز دو طرف به شرکای سیاسی مطمئن نشأت می‌گیرد. البته عامل مهم و عمده تهدیدهای امنیتی مشترک حول دو تهدید امنیتی عمده یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان در مقام متحدان استراتژیک آمریکا بوده است که با محور استراتژیک

^۱.Hezbollah

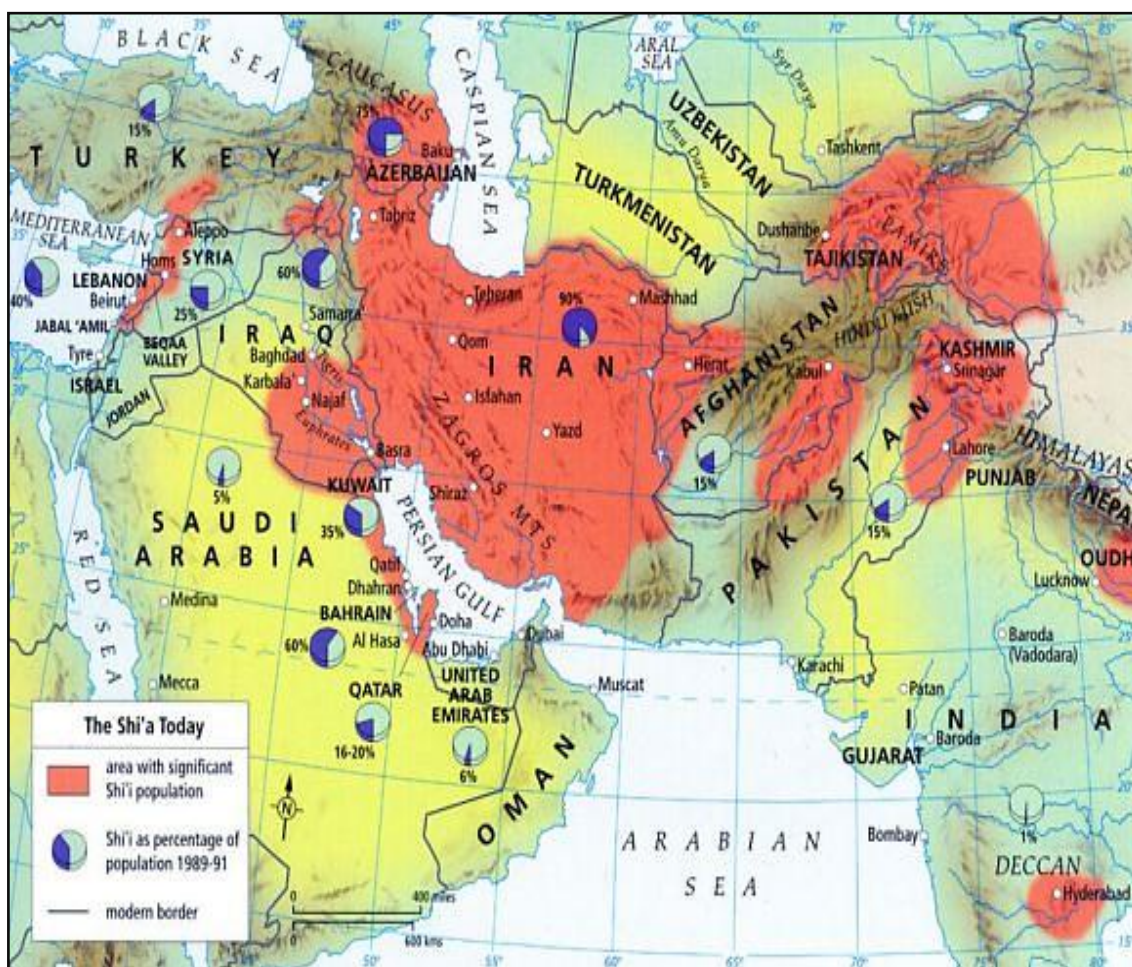
ایران و سوریه مجاورت داشته‌اند. این دو تهدید امنیتی از قابلیت‌های تهاجمی بالایی برخوردار هستند که نیت تهاجمی آن‌ها در سیاست‌های اعلامی و اعلانی این دو کشور مشهود بوده است. گروهی از کشورهای یک حوزه جغرافیایی که دارای مرز مشترک‌اند، یک منطقه را تشکیل می‌دهند و به غالب در تعریف منطقه خصوصاً از نظر تئوری مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱، مجاورت سرزمینی و داشتن مرز مشترک بین کشورهاست. هم‌جواری چند کشور، مرزهای مشترک، وسعت سرزمینی و غیره عناصر جغرافیایی هستند که بالتبع منافع مشترک یا متضادی را برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند. با توجه به فاکتور مجاورت، ایران و سوریه دارای تعاملات گسترده سیاسی و اقتصادی و منافع متقابل در منطقه هستند که آن‌ها را به سوی اتحادی استراتژیک و وابستگی امنیتی سوق داده است. در نگاهی کلی اهمیت و نقش راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران در محورهای زیر خلاصه می‌شود: سوریه تنها هم‌پیمان منطقه‌ای ایران است، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه در خاورمیانه، هم‌سویی سیاست‌های ضدآمریکایی و ضد اسرائیل دو کشور، همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی و لبنان، حمایت از جریان مقاومت اسلامی و جبهه اول مبارزه با رژیم صهیونیستی، نقش تأثیرگذار سوریه در معادلات سیاسی لبنان نقش اساسی سوریه در مناقشه اعراب و اسرائیل و موقعیت ویژه سوریه در انتقال نفت و گاز ایران به اروپا. تأمل در مؤلفه‌های اصلی مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد نظر اعضای مکتب کپنهاگ مانند وابستگی متقابل امنیتی، الگوهای دوستی یا دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر نشانگر آن است که به نحو مطلوبی می‌توان از این چارچوب تئوریک جهت بررسی تأثیر بحران سوریه بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بهره گرفت؛ بنابراین هرگونه اقدامی جهت براندازی یا تضعیف این متحد استراتژیک ایران، بازتابی بر امنیت و جایگاه منطقه‌ای ایران نیز خواهد داشت؛

۱- تضعیف محور مقاومت

یکی از مهم‌ترین اهداف طراحان بحران سوریه تضعیف محور مقاومت بود. به عقیده باری بوزان اتخاذ موضعی محکم و اصولی از سوی برخی کشورهای خاورمیانه در حمایت از فلسطینی‌ها در برابر اسرائیل، جزء جدایی‌ناپذیر از مشروعیت حکومت‌ها در مقابل ملت‌هایشان به حساب آمده است؛ بنابراین بدون این پیوستگی‌های مشترک فرهنگی، ایدئولوژیک، صرفاً دغدغه‌های امنیتی مشابه در این مجموعه کشورهای منطقه، نمی‌تواند الگویی جدا از وابستگی متقابل امنیتی را شکل دهد. با توجه به اینکه در مجموعه امنیتی منطقه‌ای، قاعده بازی تابع اصل حاصل جمع صفر است، یعنی سود محور مقاومت به زیان محور سازش است و بالعکس. چرا که ایران و سوریه همواره راهبردی جامع را در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی با یکدیگر و در چارچوب محور مقاومت دنبال نموده‌اند. مهم‌ترین مسئله‌ای که دو طرف همواره به آن توجه داشته‌اند موضوع وابستگی متقابل امنیتی بوده است. روابط ایران و سوریه در این مقطع از زمان متأثر از رویدادهای منطقه‌ای و به خصوص حفظ محور مقاومت و نگرانی نسبت به خطر افتادن منافع آنان در دیگر کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای همچون لبنان بوده است؛ که اساس تشکیل ائتلاف‌ها در سطح بین‌المللی، توازن تهدید است، نه توازن قدرت. والت موضوع خود را با این پرسش شروع می‌کند که دولت‌ها در چه مواقعی اتحادها را شکل می‌دهند و چه عنصری انتخاب اتحادشان را تعیین می‌کند؛ بنابراین دولت‌ها در واکنش به

^۱. Regional security complex theory

تهدیدها، ائتلاف با یکدیگر را مدنظر قرار می‌دهند. چون افزایش قدرت یک کشور را تهدیدی بالقوه برای خود می‌دانند (Oktav, 2015: p.1-19).



نقشه شماره ۳- جایگاه سوریه در محور مقاومت

Source: http://freefunmessages.blogspot.co.uk/2012/10/blog-post_5889.html

از این رو، سوریه به منزله یکی از ستون‌های اصلی محور مقاومت، به خاطر مرز مشترکی که با اسرائیل دارد، در معادلات راهبردی آمریکا در منطقه مانع بزرگی به شمار می‌آید و آمریکا با نابود کردن این پل ژئوپلیتیکی و از میان برداشتن رابط میان ایران و صف اول مقاومت، به دنبال تضمین امنیت اسرائیل است. چون در صورتی که سوریه از توان و ظرفیت بالایی برخوردار باشد به راحتی قادر است که تهدیدات محور مقاومت را علیه اسرائیل به منصه ظهور برساند؛ اما ضعف این دولت نه تنها تهدید اسرائیل از جانب شمال را منتفی می‌کند، بلکه سوریه ضعیف قادر نخواهد بود حزب‌الله، حماس و دیگر گروه‌های ضد اسرائیلی را تقویت کند؛ بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که جمهوری اسلامی در مقام قدرتی بزرگ منطقه‌ای در این بازی، بیم آن دارد که با تغییر رژیم سیاسی سوریه، حکومت جایگزین محور مقاومت اسلامی را از هم بگسلد. از منظری دیگر می‌توان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد می‌کند و به همین دلیل ایران در طی بحران سوریه هیچ‌گاه از راه حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از منطقه‌ای و غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت ننموده است؛ بلکه برعکس مسئولان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک راه وجود

دارد و آن نیز راه‌حل سیاسی است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه همچون متحدی راهبردی در منطقه خاورمیانه می‌نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه‌های اسلامی محور مقاومت از قبیل حماس و حزب‌الله را همواره به منزله یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین ایران کشور سوریه را به مثابه سپری از دفاع امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می‌نماید که در صورت فروپاشی ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد (Oktav, 2015: p.1-19).

۲- برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه

برای شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای چندین متغیر لازم است. یکی از مهم‌ترین متغیرها هویت است. عوامل مختلف ایدئولوژیک، منافع ملی، موضع‌گیری‌های سیاسی و ... در پیدایش هویت یک نظام منطقه‌ای نقش مهمی را ایفا نموده، شباهت‌ها و تضادها پیش‌زمینه شکل‌گیری نظام منطقه‌ای برحسب هویت یکسان را فراهم می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت آنچه بر مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سوریه یک هویت جمعی باثبات و پایدار بخشیده است، همسویی مواضع و استراتژی‌های سیاست خارجی، اشتراکات منافع، اشتراکات فرهنگی و قومی و... است. در همین در این منطقه نمی‌تواند اعراب را در برابر ایران نیرومند ساخت بدون آنکه در نزاع تاریخی آن‌ها با اسرائیل، کفه موازنه به سود اعراب سنگین‌تر شود. در همین راستا حمایت و پشتیبانی ایران از دولت سوریه در مقابل دشمن مشترک، تهدیدی برای دیگر بازیگران منطقه قلمداد می‌شود. از مهم‌ترین پیامدهای نظم جدید منطقه‌ای که به دنبال جریان بهار عربی^۱ در خاورمیانه در حال شکل‌گیری است، گسست و تغییر در ائتلاف‌های منطقه‌ای سابق و شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای جدید است. همان‌گونه که عربستان سعودی پس از تضعیف محور اعتدال عربی به دلیل سقوط حسنی مبارک و خروج مصر از این محور، در تلاش است تا با همراهی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس^۲ و مشارکت کشورهای هم‌چون اردن و مراکش، باشگاهی از پادشاهان را در قالب ائتلاف جدیدی در منطقه تشکیل دهد. یا در تحولات سوریه شاهد هستیم که یکی از ابزارهای آمریکا برای رسیدن به اهداف خود، استفاده نیابتی از کشورهای منطقه است؛ بنابراین ایالت متحده با تشکیل اتحاد و ائتلاف‌های راهبردی با کشورهای محافظه‌کار عرب در منطقه، به دنبال ایجاد بازدارندگی و توازن قدرت در مقابل ایران در شرایط جدید منطقه‌ای است (Kinninmont, 2014: p.1-6).

۳- تضعیف جایگاه و نفوذ ایران در منطقه

رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای به دست گرفتن مدیریت تحولات منطقه و تأثیرگذاری در فرآیند دولت‌سازی جوامع دستخوش تحول، در جهت مقابله و مهار رقیبان، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی خاورمیانه است. جمهوری اسلامی ایران نیز به فراخور نقش و میزان اثرگذاری خود در خاورمیانه، در معرض این رقابت‌ها قرار دارد، رقابت‌هایی که می‌تواند در پاره‌های موارد امنیت ملی کشور را در همه ابعاد آن هدف قرار دهد. چون روند تحولات امنیتی در منطقه خاورمیانه حاکی از وجود وابستگی متقابل امنیتی منفی در این منطقه است. به جای آنکه ازدیاد قدرت در یکی از واحدهای منطقه، در یک فرایند وابستگی متقابل امنیتی مثبت، موجب بهبود شرایط امنیتی و شکل‌گیری

^۱. Arab Spring

^۲. Persian Gulf

روندهای همکاری جویانه امنیتی شود، در یک معادله جبری با حاصل جمع صفر، ازدیاد قدرت یک واحد به سرعت تأثیر منفی بر امنیت ملی واحدهای دیگر برجای می‌گذارد و روندهای تقابل جویانه و منازعات امنیتی شکل می‌گیرد. تلاش قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای نقش‌آفرینی در تحولات جاری در سوریه، عراق، لبنان و فلسطین گویای آن است که مخالفان منطقه‌ای و خارجی ایران طرح گسترده‌ای را برای تضعیف گروه‌ها و حکومت‌های طرفدار ایران در دست اجرا دارند (Goodarzi, 2013: p.1-13). در این راستا، عربستان سعودی با حمایت معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل بحران سوریه سعی دارد جایگاه خود را در این کشور ارتقا دهد. عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به خصوص در میان شیعیان است و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. این کشور سعی دارد درگیری در سوریه را نوعی نزاع میان شیعه و سنی نشان دهد و از این طریق رهبری اهل سنت را در دست گیرد. تا قبل از بحران سوریه، عربستان به دنبال بهبود روابط با سوریه باهدف تضعیف رابطه این کشور با ایران بوده است؛ اما با شروع تحولات سیاسی این کشور، عربستان رابطه خود را به سمت مخالفان دولت سوریه تغییر داد. نفوذ و عمق استراتژیک ایران در منطقه مهم‌ترین تهدیدی است که از شرایط فوق برای ایران ایجاد می‌شود و می‌تواند به شدت منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. همان‌طور که مقامات کاخ سفید بیان می‌کنند، راهبرد ایالات متحده در قبال بحران سوریه این است که آن‌ها شورای امنیت، اتحادیه اروپا^۲، ناتو^۳، اتحادیه عرب^۴ و شورای همکاری خلیج فارس^۵ را با تمام قوا وارد میدان نموده تا بشار اسد^۶ کناره‌گیری کند و بتوانند وارد حلقه مقاومت بشوند و ایران را مهار نمایند. در واقع برای آمریکا، غرب و کشورهای عرب محافظه‌کار، جنگ با سوریه به مثابه بخشی از جنگ گسترده با ایران ارزیابی می‌شود. به تعبیری دیگر سوریه گروگان آن‌ها برای فشار به ایران است (Asseburg and Wimmen, 2012: p.1-7).

۴- شکل‌گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی در منطقه

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، وابستگی متقابل امنیتی است که از عوامل افزایش همکاری بوده و باعث تبیین روابط و رفتار دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل و منطقه‌ای می‌شود. وابستگی متقابل امنیتی ناظر بر وجود شبکه‌ای از تعاملات و روابط امنیتی بین اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که باعث ایجاد احساس مجموعه بودن میان گروهی از کشورها می‌گردد و از طرف دیگر بدین معناست که وجود یک مجموعه امنیت منطقه‌ای امکان دارد لزوماً با خواست و اراده کشورهای عضو این مجموعه انطباق نداشته باشد. از مهم‌ترین شاخص‌های امنیت منطقه‌ای در مکتب کپنهاگ^۷، اختلافات و همبستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی است. از دید بوزان این اختلافات فرقه‌ای همواره می‌تواند منشأ درگیری‌ها و جنگ‌های گسترده‌ای شود (Bartell and Gray, 2012: p. 1-). در چارچوب امنیت منطقه‌ای یکی از تأثیرات بحران سوریه بر اختلافات و همبستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی

1. United Nations Security Council

2. European Union

3. The North Atlantic Treaty Organization, also called the North Atlantic Alliance

4. Arab League

5. Gulf Cooperation Council

6. Bashar al-Assad

7. Copenhagen School

قابل ارزیابی است که به صورت شکل‌گیری منازعات گفتمانی با ظهور گفتمان افراطی، تکفیری^۱ و سلفی‌گری در منطقه بیشتر گسترش می‌یابد. از آغاز شکل‌گیری تنش در سوریه، گروه‌های متعددی موسوم به گروه‌های تروریستی - تکفیری با عناوین مختلف در بحران سوریه ایفای نقش نموده‌اند. ویژگی مشترک و غالب همه این گروه‌ها، بنیادگرایی، سلفی‌گری، جزمیت، تخریب مقابر و شعائر مذهبی، انجام جنایات وحشیانه برای تجاوز و کشتار مردم بی‌گناه در لوای اسلام است. یکی از مهم‌ترین اهداف این گروه‌ها، ایدئولوژیک نمودن و سیاسی جلوه دادن اسلام، با نام اسلام رادیکال و فرقه بازی‌های اسلامی است. هدف نهایی چنین پروژه‌ای، مخدوش نمودن چهره‌ی اسلام و مقدسات و معرفی وجه منفی آن به جهانیان است. از مهم‌ترین گروه‌های بنیادگرا^۲ می‌توان به القاعده^۳، جبهه‌النصره و گروه داعش اشاره نمود. اثرپذیری مطلق تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه از عواملی نظیر مذهب، قومیت و اتحادهای بیرونی باعث شده تا این باور شکل گیرد؛ که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه متحدی استراتژیک و رسمی (چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی) نخواهد یافت. بر این اساس است که ایران چاره‌ای جزء توسل جستن به شیعیان جهان که به صورت پراکنده در برخی از کشورهای منطقه و به دور از صحنه قدرت سیاسی حضور دارند، ندارد از دیگر تهدیداتی که بحران سوریه پیش روی امنیت منطقه‌ای ایران به همراه خواهد داشت، بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای، در کنار تشدید تنش‌های فرقه‌ای و چالش‌های قومی - مذهبی است که به دنبال ظهور و قدرت‌یابی گروه‌های تکفیری و افراطی مانند القاعده و داعش یا سلفی‌ها امکان بروز یافته است. بهره‌گیری گروه‌های تکفیری افراطی از خلأ قدرت و ایجاد ناامنی و تداوم بی‌ثباتی در سطوح مختلف از جمله مسائل و ابعاد دوره گذار در سطح منطقه است که چالش‌هایی امنیتی را برای ایران نیز ایجاد می‌کند. یکی از اهداف مهم عربستان از مداخله در سوریه و تقویت و حمایت گسترده از جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم‌جانشین در منطقه با اندیشه سلفی‌گری است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی برمی‌گردد. در واقع عربستان حامل این گفتمان می‌تواند بستر ساز ایجاد نوعی تنش مذهبی باشد که چالش‌های امنیتی مهمی را برای امنیت منطقه‌ای ایران در پی خواهد داشت (-Bartell and Gray, 2012: p. 1).

۵- افزایش رقابت تسلیحاتی در منطقه

همان‌طور که باری بوزان^۴ اذعان دارد، کشورهای شمال از وابستگی و رقابت کشورهای جهان سوم به تهیه تسلیحات چونان منبع نفوذی استفاده می‌کنند و فشارهای اقتصادی و امنیتی عمده‌ای به این کشورها در جهت و فقدان تسلیحات خود با استاندارد فناوری نظامی روز دنیا که در اختیار کشورهای شمال است، اعمال می‌کنند. این عامل کشورهای جهان سوم را به طور فزاینده‌ای در برابر تحولاتی که در محیط امنیتی منطقه‌ای خویش رخ می‌دهد، آسیب‌پذیر می‌نماید که این امر ناشی از رقابت تسلیحاتی است. برهم خوردن توازن قوا و دگرگونی در نظم منطقه‌ای و بالا گرفتن تنش‌های قومی و مذهبی و تداوم سناریوهای ایران‌هراسی در منطقه، باعث خواهد شد تا مسابقه تسلیحاتی در منطقه به اوج

¹. Takfiri

². Fundamentalism

³. Al-Qaeda

⁴. Barry Buzan

خود برسد. همان‌گونه که تلاش‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در استقرار موشک‌های پاتریوت^۱ (سامانه سپر موشکی) در مرزهای ترکیه و سوریه، دولتمردان روسیه را وا می‌دارد که سامانه موشکی اس ۳۰۰ را در اختیار دولت سوریه قرار دهند. تجهیز روزافزون کشورهای منطقه به سلاح‌های روز دنیا علاوه بر تشدید مشکلات اقتصادی منطقه و بلعیدن بخش بزرگی از درآمدهای ملی، می‌تواند با توجه به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و اختلافات قومی - قبیله‌ای و همچنین از سرگیری ادعاهای سرزمینی میان برخی کشورهای منطقه که از تصنعی و استعماری بودن مرزهای سیاسی حاصل شده است، چشم‌انداز بی‌ثباتی و درگیری‌های نظامی در منطقه را برجسته و نزدیک می‌سازد. کشورهای خاورمیانه به دنبال سیر تحولات چند سال اخیر منطقه، کوشش نمودند با تعریف رویکردهای امنیتی مختلف، ظرفیت و توان خود را برای غلبه بر چالش‌های امنیتی افزایش دهند؛ اما این کوشش بسیار پرفراز و نشیب و همراه با هزینه‌های سنگین تسلیحاتی برای کشورها بوده است. در این راستا مؤسسه بین‌المللی استکهلم کتابی را منتشر کرده است که بنا بر گزارش‌های این کتاب تا اوایل سال ۲۰۱۲ میلادی کشورهای عربی منطقه خاورمیانه از قبیل عمان هزینه‌های نظامی خود را از ۴ به ۱۱/۲ میلیارد دلار افزایش داده‌اند (Colombo, 2013: p.1-9).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی - پژوهشی

همان‌طوری که گفته شد هدف این مقاله تحلیل و تبیین تحولات سوریه و نقش راهبردی ایران در تحولات این کشور است. با توجه به اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس منافع ملی پایه‌گذاری شده است و در این راستا جمهوری اسلامی ایران از کشورهای شیعه و احزاب نزدیک به خود حمایت می‌کند. دفاع از فلسطین، لبنان و سوریه به خاطر منافع ملی و ایجاد سنگری خارج از کشور در مقابل اسرائیل و آمریکا است. در این راستا با شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی و تحولات سیاسی جهان عرب که کشورهای مختلف منطقه از جمله سوریه را در بر گرفته است، در حال دگرگون ساختن شرایط و ترتیبات سیاسی، امنیتی، ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه خاورمیانه است. بحران سوریه که بیش از پنج سال از آغاز آن می‌گذرد با دخالت محور غربی - عربی - ترکی، به جنگی همه‌جانبه علیه نظام حاکم بر این کشور تبدیل شده است. از جمله تفاوت‌های بحران سوریه با دیگر کشورهای عرب خاورمیانه، دخالت خارجی در این کشور در قالب کمک‌ها و حمایت‌های مالی، معنوی و تسلیحاتی دول غربی و کشورهای عربی مخالف حکومت دمشق از مخالفان و تروریست‌های مسلح در سوریه است. جمهوری عربی سوریه به دلیل قدمت تاریخی، موقعیت ژئوپلیتیکی و سابقه تمدنی و فرهنگی، کشوری بااهمیت است؛ به‌گونه‌ای که دمشق، پایتخت آن، به دروازه تاریخ و از کهن‌ترین شهرهای جهان و تمدن‌های بشری معروف است. اگرچه این اهمیت در قرن بیستم به دلیل هم‌جواری با فلسطین و نحوه رویارویی با غاصبان این سرزمین مقدس یعنی رژیم صهیونیستی مضاعف شده؛ اما پیوند سوریه با جمهوری اسلامی و اتحاد این دو کشور، معادله ویژه‌ای را در حوزه راهبردی به تصویر کشیده است. بر این اساس از یک سو دولت سوریه مورد غضب مثلث نظام سلطه و رژیم صهیونیستی، دولت‌های غیرمردمی کشورهای منطقه و جریان‌های فریب‌خورده و یا آلت دست بیگانگان، قرار گرفته و از سوی دیگر، حمایت محور مقاومت و به صورت خاص، جمهوری اسلامی، امری طبیعی است.

^۱.MIM-104 Patriot

روابط دوجانبه سوریه در استراتژی امنیتی روسیه به عنوان یک شریک مهم راهبردی در حوزه ژئوپلیتیک و سیاسی ارزیابی شده که نمی‌توان از کنار آن گذشت. به همین دلیل مسکو در ماه‌های گذشته همکاری‌های امنیتی و نظامی خود را با سوریه افزایش داده و اطلاعات مهم نظامی و امنیتی را در اختیار دمشق گذارده که شاید مهم‌ترین آن، تحرکات نظامی ترکیه در مرزهای سوریه است. علاوه بر ابعاد سیاسی و امنیتی سوریه مهم‌ترین خریدار تسلیحات روسیه در منطقه خاورمیانه عربی است و ارتش این کشور به آخرین موشک‌های روسی مجهز است. از این رو روسیه با اعمال تحریم اسلحه به سوریه مخالفت ورزیده است. اگرچه روسیه بر این باور است که غرب به مخالفان دولت سوریه اسلحه تحویل می‌دهد و به همین دلیل پیشنهاد آن‌ها درباره ممنوعیت تحویل هرگونه تسلیحات به سوریه به هیچ وجه صادقانه نیست.

روسیه در سوریه پایگاه نظامی دارد و مسکو مایل است آن را حفظ کند. پایگاه نظامی روسی که در بندر طرطوس در شمال غرب سوریه قرار دارد، به عنوان مرکز سرویس دهی فنی به کشتی‌های نیروی دریای سیاه روسیه استفاده می‌شود. این پایگاه از دهه ۷۰ میلادی در اختیار شوروی قرار داشت. اگرچه پیش از بروز ناآرامی‌های سوریه هیچ یک از کشتی‌های روسیه در آنجا قرار نداشتند، اما پس از آنکه گروه ضربتی نیروی دریایی آمریکا و ناور اتمی جرج بوش در سواحل سوریه ظاهر شد، مسکو و دمشق یک‌بار دیگر به اهمیت استراتژیک این بندر و پایگاه نظامی پی بردند. البته نظامیان روسیه متذکر شده‌اند که اعزام کشتی نیروی دریایی شمال به بندر طرطوس، در سال ۲۰۱۰ میلادی طرح ریزی شده بود و هیچ ارتباطی با ناآرامی‌های سوریه یا حضور نظامی آمریکا در نزدیکی آب‌های دمشق ندارد، اما واقعیت آن است که به خودی خود، وجود کشتی‌های نیروی دریایی روسیه در سواحل سوریه، از حالت بازدارندگی برخوردار است. و نیز نباید از یاد برد که بندر طرطوس تنها پایگاهی است که روسیه در دریای مدیترانه در اختیار دارد. از این رو حفظ این پایگاه دریایی برای مسکو از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در روسیه این تحلیل وجود دارد که مسکو با رأی ممتنع به قطعنامه‌ای که غرب بر ضد لیبی در شورای امنیت تصویب کرد، به طور سازشکارانه عمل کرده است. زیرا چنین امری از طرف غرب به عنوان مجوز دخالت نظامی در لیبی ارزیابی شد و بدین ترتیب روسیه یکی از متحدان خود را که از نظر سرمایه‌گذاری نیز برای روسیه مهم بود، از دست داد. در واقع به رغم آنکه در آن قطعنامه تنها برقراری منطقه پرواز ممنوع بر فراز خاک این کشور برای دفاع از جمعیت غیر نظامی پیش بینی شده بود، با این حال قطعنامه به دستاویزی برای آغاز عملیات جنگی ناتو در شمال آفریقا مبدل شد. بدین ترتیب حوادث لیبی نشان داد که می‌توان از قطعنامه‌ها سوء استفاده کرد. به همین دلیل روسیه خواستار آن است که از هر گونه اقدام مشابه بر ضد سوریه جلوگیری کند. به‌ویژه روسیه تصور می‌کند پس از پایان جنگ سرد تمام پایگاه‌های مؤثر خود را در خاورمیانه از دست داده و نتوانسته به ایفای نقش بپردازد. در واقع روسیه از یک کشور عربی دفاع نمی‌کند، بلکه به حمایت از متحد اصلی خود در خاورمیانه می‌پردازد و این امر می‌تواند بر جایگاه بین‌المللی مسکو تأثیر بسزایی داشته باشد.



نمودار شماره ۱- فاکتورهای اهمیت و نقش راهبردی سوریه (http://www.farsnews.com)

ایران و سوریه دارای منافع مشترکی در غرب آسیا هستند. دوستی ایران و سوریه از قبل انقلاب شروع شده و در دوران جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرده و بعد از آن هم به عنوان دو کشوری که منافع راهبردی مشترکی داشتند، در منطقه به ایفای نقش پرداخته‌اند. ایران با کمک سوریه توانسته آن آزادی عمل را در لبنان داشته باشد تا بتواند از گروه‌های مبارز فلسطینی یا حزب‌الله حمایت کند. از این لحاظ برای آنکه ایران این آزادی عمل را حفظ کند، باید از دولت سوریه حمایت کند. ایران با فروپاشی نظام سوریه به صورتی که مشخص نباشد بعد چه کسانی سرکار می‌آیند و چه مدت طول می‌کشد که این بحران را مهار کنند، مخالف است. ایران معتقد است اگر نظام سوریه بخواهد تغییر کند، ایران یک متحد راهبردی خود که می‌توانسته آزادی عملی را در بخش غربی آسیا برای ایران به وجود بیاورد، از دست خواهد داد؛ چون مدعیان زیادی خواهد داشت و آن نظام، وابستگی‌هایی به کسانی خواهد داشت که به گروه‌های مخالف کمک کردند یا برای حفظ قدرت خود مجبور هستند به قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای وابسته شوند. دیگر اینکه در سیاست‌های کلی که زمانی بوش عنوان کرده بود و سوریه هم مورد غضب وی بود، اگر اکنون سوریه فرو پاشد و بخشی از آن طرح خاورمیانه بزرگ محقق شود، خواه‌ناخواه کشور بعدی، ایران خواهد بود. بنابراین نیروهایی که به گونه‌ای از جانب سوریه مهار می‌شدند، اکنون آزاد می‌شوند و احتمالاً ایران را هدف قرار

می‌دهند. علاوه بر این‌ها، فروپاشی نظام سوریه ممکن است به تضعیف حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی هم منجر شود؛ یعنی خیال صهیونیست‌ها را راحت می‌کند و این کشور بدون هیچ‌گونه ترس و واکنش سوریه می‌تواند فشارهای خود را علیه حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی افزایش دهد. در نهایت، اعراب حوزه خلیج فارس هم اگر موفق شوند سیاست‌های خود را این‌گونه پیش ببرند، ممکن است فضای تهاجمی‌تری علیه ایران اتخاذ کنند.



نمودار شماره ۲- اهداف راهبردی غرب از بی‌ثبات‌سازی و ایجاد بحران در سوریه

از لحاظ ژئوپلیتیک نیز به این نکته اشاره می‌شود که اینک عمق راهبردی ایران گسترش پیدا کرده و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است. بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. از این منظر، ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه‌های حزب‌الله، جهاد اسلامی و حماس، یک جبهه ضد صهیونیستی تشکیل داده که در این اتحاد سوریه، نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند. تام دانیلون^۱، مشاور امنیت ملی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۱ میلادی صریحاً اعلام کرد: «پایان رژیم اسد موجب بزرگ‌ترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و برهم خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود. به این ترتیب، در حال حاضر همه فشارها برای شکستن این پل ارتباطی، یعنی سوریه اعمال می‌شود و آنچه در پس پرده در جریان است، در حقیقت به علت روابط نزدیک سوریه با ایران بوده و هدف از سرنگونی رژیم کنونی در آن کشور نیز با امید به منزوی ساختن ایران صورت می‌پذیرد. یکی از اهداف اصلی در سوریه، قطع محور راهبردی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می‌سازد. لذا قرار دادن سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیک غرب در جنگ با ایران محسوب می‌شود.

References

- Ajorloo, Hussein, in 2011, Syria developments: Origins and Prospects, Journal of Middle Eastern Studies, Vol. XVIII, No. III. [In Persian].
- Asseburg, M. and Wimmen, H. 2012, Civil War in Syria External Actors and Interests as Drivers of Conflict

¹.Thomas E. Donilon

- Barzegar, Kayhan, 2013, Arabic developments, Iran and the Middle East, First Edition, Tehran: Center for Scientific Research and Studies Strategic Middle East. [In Persian].
- Bartell, Dawn L. and Gray, David H. 2012, Conflict in Syria and the Opportunity to Reduce Iran's Regional Influence and Iran's Threat to the International Community, Global Security Studies, Fall 2012, Volume 3, Issue 4
- Bassiri Tabrizi A. and Pantucci, R. 2015, Understanding Iran's Role in the Syrian Conflict, Published in 2016 by the Royal United Services Institute for Defence and Security Studies.
- Berti, B. and Guzansky, Y. 2012. The Syrian Crisis and the Saudi-Iranian Rivalry, FPRI, 1528 Walnut Street, Suite 610, Philadelphia, PA 19102-3684 https://www.files.ethz.ch/.../Berti_Guzansky_-_Syrian_Crisis_and_Saudi-Iranian_Riva...
- Cafarella, J. 2014, Jabhat al-Nusra in Syria: An Islamic Emirate for al-QAED, Published in 2014 in the United States of America by the Institute for the Study of War. 1400 16th Street NW, Suite 515 | Washington, DC 20036
- Colombo, S. 2013, the Future of Syria and the Regional Arms Race, Istituto Affari Internazionali.
- DEMİR, S. 2013, THE IMPACT OF THE SYRIA CRISIS ON THE GLOBAL AND REGIONAL POLITICAL DYNAMICS Suriye Krizinin Küresel ve Bölgesel Politik Dinamikler Üzerine Etkisi, Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi / Journal of Turkish World Studies, XIII/1 (Yaz 2013), s.55-77.
- Goodarzi, J. 2013, Iran and Syria at the Crossroads: The Fall of the Tehran-Damascus Axis?, Assistant Professor and Researcher, International Relations Department, Webster University, Geneva https://www.files.ethz.ch/isn/157067/2012C43_ass_wmm.pdf
- Humud, C. E. and Blanchard, C M. 1998, Armed Conflict in Syria: Overview and U.S. Response, <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33487.pdf>
- Kaim, M. and Tamminga, O. 2015, Russia's Military Intervention in Syria Its Operation Plan, Objectives, and Consequences for the West's Policies, Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2015C48_kim_tga.pdf
- Kinnimont, J. 2014, The Syria Conflict and the Geopolitics of the Region Senior Research Fellow and Deputy Head, MENA Programme, The Royal Institute of International Affairs at Chatham House, London
- Migdalovitz, C. 1998, Syria : a country study, Library of Congress Washington, D.C. 20540 Third Edition, 1988; First Printing, 1988. Copyright ©1988 United States Government as represented by the Secretary of the Army. All rights reserved. https://cdn.loc.gov/master/frd/frdcstdy/sy/syriacountrystud00coll_0/syriacountrystud00coll_0.pdf
- Morgenthau, H. J. 1985, The Balance of Power, [https://blackboard.angelo.edu/bbcswebdav/institution/LFA/CSS/Course%20Material/SEC6302/Reading s/Lesson_5/Morgenthau.pdf](https://blackboard.angelo.edu/bbcswebdav/institution/LFA/CSS/Course%20Material/SEC6302/Reading%20s/Lesson_5/Morgenthau.pdf)
- National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism, 2014: www.start.umd.edu [https://www.start.umd.edu/pubs/START_ISIL%20Branding%20Leadership%20Culture%20and%20Let hal%20Attraction_Ligon_Nov2014.pdf](https://www.start.umd.edu/pubs/START_ISIL%20Branding%20Leadership%20Culture%20and%20Let%20hal%20Attraction_Ligon_Nov2014.pdf)
- O'Bagy, E. 2013, the free Syrian Army, Published in 2013 in the United States of America by the Institute for the Study of War.
- Oktav, Ö. Z. 2015, The Syrian Civil War and Turkey-Syria-Iran Relations
- Phillips, Ch. 2015, Turkey and Syria, www.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR007/syria.pdf
- Syrian National Council, 2011, http://dropbox.curry.com/ShowNotesArchive/2011/12/NA-363-2011-12-08/Assets/110916_About%20SNC.pdf
- The Balance of Power in International History THEORY AND REALITY BRIAN HEALY ARTHUR STEIN Center for International Studies Cornell University.
- This article was written within the framework of a scholarship granted by The Scientific and Technological Research Council of Turkey (TUBITAK) 2219 BİDEB, Ankara, Turkey www.understandingwar.org/sites/default/files/The-Free-Syrian-Army-24MAR.pdf
- kids.britannica.com
- cimss.ssec.wisc.edu
- http://freefunmessages.blogspot.co.uk/2012/10/blog-post_5889.html :Source